پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

شمارهٔ ۳۸، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صص ۲۷۱-۳۰۲ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 38, Spring & Summer 2026

مؤلفه‌های زیست اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه

مجید معارف[۱]، زهرا خیراللهی[۲]، حسین محمدی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱)

چکیده

زیست اخلاق اجتماعی گونه‌ای از اخلاق است که به روابط انسان با دیگران در سطوح مختلف اشاره می‌کند. مفهوم امت به عنوان مفهوم نزدیک به اجتماع در مفاهیم دینی در زیست اخلاق اجتماعی نیز از نقش مفاهیم محوری به حساب می‌آید. مؤلفه‌های زیست اخلاقی در دو حوزه‌ی خرد و کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد که در حوزه کلان نظام تعلیم و تربیت، امنیت اجتماعی، نظام سیاسی و اقتصادی زیرساخت لازم برای ساخت زیست اخلاق اجتماعی را فراهم می‌کنند. همچنین در حوزه‌های خرد و بین فردی در سه ساحت بینش،گرایش و کنش مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی دسته‌بندی می‌کردند که شامل نگاه به توحید، انسان و دنیا در حوزه بینش، حب و بغض در حوزه گرایش، همچنین مفاهیمی همچون احسان، وفای به عهد، صداقت، حسن ظن، انفاق، حلم، رفق و مدارا، عفت و حیا در حوزه کنش می‌گردد. در نهایت باید اشاره نمود که پایبندی به اصول و آموزه‌های زیست اخلاق اجتماعی سبب همبستگی میان اقشار مختلف جامعه، مسئولیت‌پذیری نسبت به افراد جامعه و ترجیح منافع جامعه نسبت به منافع فردی خواهد شد.

کلید واژه‌ها: اخلاق اجتماعی، زیست اخلاقی، قرآن، نهج‌البلاغه، امت.

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ maaref@ut.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ Zkheirolahi@pnu.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ f.bd.zn@chmail.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

۱. بیان مسئله

یکی از مفاهیم اخلاقی در اسلام مفهوم زیست اخلاقی است که با بررسی آیات و روایات به دست می آید که دین مبین اسلام توجه بسیار ویژه‌ای به اخلاق داشته به طوری که پیامبر اکرم(ص) بعثت خود را برای پایه ریزی و به کمال رساندن اخلاق معرفی می‌نماید و می‌فرماید: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ اَلْأَخْلَاقِ (طبرسی، ۸/۱). به ویژه اخلاق اجتماعی در مقابل اخلاق فردی، چرا که یکی از نیازهای جوامع بشری چگونگی نظام اخلاقی آن جوامع است، شامل مناسبات مردم با یکدیگر، حاکمان با مردم، مردم با حاکمان و هر آنچه به زیست اخلاق اجتماعی مرتبط می‌شود.

این مقاله بر آن است که با استفاده از قرآن و نهج‌البلاغه روشن سازد که زیست اخلاق اجتماعی چیست و چه ماهیتی دارد و دیگر آن که براساس شواهد آیات قرآن و مضامین نهج‌البلاغه زیست اخلاق اجتماعی بر چه مولفه‌هایی استوار است؟

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به اصل مقاله ذکر چند نکته‌ی مقدماتی ضروری است:

۲-۱. اهمیت و ضرورت

اخلاق یکی از مهمترین مباحث قرآنی و روایی است و به نوعی هدف انبیا محسوب می‌شود. انسان در صورتی حیات انسانی پیدا می‌کند که دارای زیست اخلاقی باشد بر همین اساس مساله زیست اخلاق اجتماعی بسیار مهم و ضروری است چرا که تکامل اخلاقی در جامعه، یکی از مهمترین اهدافی است که برای ادیان مختلف ذکر گردیده است از سویی دیگر جامعه سالم حتما به زیست اخلاقی مطابق معارف دینی صحیح نیاز دارد چون به زندگی اجتماعی مردم ارتباط دارد و مردم باید زندگی آرام و مطلوبی داشته باشند و این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه اخلاق اجتماعی در جامعه حاکم باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

۲-۲. پیشینه و نوآوری

در خصوص این موضوع پژوهش‌های مختلفی با رویکردهای متفاوت صورت پذیرفته است برخی به اخلاق اجتماعی از نگاه قرآن پرداخته‌اند و برخی به اخلاق اجتماعی از نگاه نهج‌البلاغه پرداخته‌اند که در ادامه به بخشی از آن اشاره می‌نماییم.

از جمله کتاب‌ها، اخلاق اجتماعی در نهج‌البلاغه، گردآوری مقالات توسط احمد پاکتچی، سلمان نژاد است. این کتاب در ۳ فصل «رویکرد اخلاقی به انسان»، «فضیلت‌های اخلاقی» و «اصول تعامل اجتماعی» گردآوری شده است، از دیگر کتب می‌توان به اخلاق اجتماعی از دیدگاه قرآن نوشته علیرضا ملکی اشاره کرد نویسنده در این نوشتار مباحث اخلاق اجتماعی را از منظر قرآن کریم بررسی می‌کند. کتاب دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد کتاب اصول اخلاق اجتماعی در نهج‌البلاغه است، جمعی از نویسندگان، که در این کتاب به مولفه‌های اخلاق اجتماعی ذکر شده در نهج‌البلاغه پرداخته شده است.

برخی دیگر از اندیشمندان اخلاق را در نهج‌البلاغه و قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند که در اثنای بحث به موضوع اخلاق اجتماعی نیز اشاراتی داشته‌اند، از جمله این تألیفات، کتاب اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه و اخلاق در قرآن آیت الله مکارم شیرازی و اخلاق در قرآن حجت الاسلام خسروپناه است.

برخی دیگر از منابع به موضوع زیست اجتماعی در قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته‌اند که در خصوص جامعه مطلوب اخلاقی براساس مبانی دینی مباحثی را مطرح نموده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب «روابط اجتماعی در اسلام» علامه طباطبایی، «علم الاجتماع در نهج‌البلاغه» هاشم حسین ناصر محنک و کتاب «جامعه علوی در نهج‌البلاغه» اشاره کرد.

پایان‌نامه‌هایی نیز با این موضوع تالیف گردیده است از جمله اخلاق اجتماعی مطلوب در قرآن و حدیث با تلاش حسنی لطفی که در این تحقیق تلاش شده است مصادیق اخلاق اجتماعی مطلوب براساس آیات و روایات بیان شود (مانند امانت، صداقت، خوش خلقی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

و... همچنین موانع اخلاق اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

مقالاتی نیز در این خصوص به رشته تحریر در آمده از جمله مقاله شبکه معنایی مفاهیم اخلاق اجتماعی در قرآن کریم حسومی، طاهره؛ نوشین فرد، فاطمه؛ حسینی بهشتی، ملوک السادات؛ باب الحوائجی، فهیمه؛ حریری، نجلا در این پژوهش آیات اخلاق اجتماعی استخراج و تلاش شده شبکه معنایی این آیات ترسیم شود.

همچنین مقاله مبانی نظری اخلاق اجتماعی در قرآن و حدیث، خدیجه ملکشاهی، سهراب مروتی، دراین پژوهش توصیف و تبیین مفهوم اخلاق اجتماعی و مبانی آن بر پایه منابع اسلامی و مفاهیم قرآنی، احادیث و نقل قول‌های معتبر با استفاده از اصول علمی و منطقی صورت پذیرفته، سپس برخی از شاخصه‌های آن، استخراج و با استفاده و مطالعه سایر منابع در حیطه مباحث علوم قرآنی و کتب اخلاق، به بررسی و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است.

مقاله‌ای با عنوان مفاهیم اخلاق اجتماعی در قرآن نویسنده: سید محمدصادق حسینی سرشت در این پژوهش یکی از مفاهیم اخلاق اجتماعی یعنی امر به معروف و نهی از منکر مورد بررسی و مداقه قرار گرفته است.

مقاله بسترهای اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه،حسینعلی مصدقیان در این مقاله تلاش شده تا بسترهای ترسیم شده از دیدگاه امام علی (ع) را در زمینه‌ی اخلاق اجتماعی به اختصار بیان شود.

از دیگر مقالات روابط اجتماعی و اخلاق از دیدگاه حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه نویسندگان: حسین محققی، سعید صحابت انور در این پژوهش با هدف شناسایی روابط اجتماعی و اخلاق از دیدگاه نهج‌البلاغه انجام شده که با بهره‌گیری از نهج‌البلاغه بوده است.

با بررسی به عمل آمده در خصوص اخلاق اجتماعی و موضوعات مرتبط با آن، پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است، اما نگاه جامع و دقیقی در این خصوص صورت نگرفته، اما در این پژوهش تلاش شده نگاه عمیق، دقیق و جامع‌تری با نگاهی به همه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

جوانب موضوع صورت پذیرد در توضیح باید گفت زیست اخلاق اجتماعی برای تحقق خود دارای مقدمات و اصول کلی و مولفه‌هایی است که نبود هر کدام در این نظام کلی خلل ایجاد می‌نماید؛ بنابراین باید به صورت جامع از منابع اصیل اسلامی که عبارتند از قرآن و نهج‌البلاغه استخراج شوند تا به وسیله آن بتوان یک جامعه مطلوب اجتماعی اخلاق مدار را براساس معارف بلند قرآن و نهج‌البلاغه پایه‌ریزی کرد.

۲-۳. مفاهیم

۲-۳-۱. اخلاق

«خُلُقْ» (بر وزن آفق) مفرد است، و با خلق (بر وزن قفل) یک معنی دارد. به طوری که از مفردات راغب استفاده می شود با خَلْقْ (بر وزن حَلْق) ریشه مشترک دارد، منتها «خَلْق» به صفات ظاهری گفته می شود، و «خُلْق» و «خُلُق» به صفات درونی. بعضی از ارباب لغت «خُلْق» و «خُلُق» را به معنی دین و طبیعت و سجیّه تفسیر کرده‌اند و آن را صورت باطنی انسان می دانند. (ابن منظور، ۸۵/۱۰) اخلاق دو معنی اصلی دارد؛ ۱. ملاسه الشی: نرمی و صافی چیزی را گویند ۲. تقدیر الشی: اندازه، هیئت و شکل چیزی. (ابن فارس، ۲۱۴/۲) در کتاب‌های لغت معمولا واژه اخلاق به معنای دوم یعنی تقدیر الشی به کار رفته است و معنای اول استعمال چندانی ندارد؛ بنابراین واژه اخلاق به معنای نصیب به کار رفته است، یعنی نصیب مقدر و مشخص. یحیی بن عدی در تعریف اخلاق می‌گوید: «ان الخلق هو حال النفس بها یفعل الانسان افعاله بلارویه و لا اختیار» (ابن مسکویه، ۵) همانا خلق، حالتی نفسانی است که انسان به سبب آن کارهایش را بدون فکر کردن و بدون اختیار انجام می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت: اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است. (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۲۴/۱)

۲-۳-۲. اخلاق اجتماعی

در تعریف اخلاق اجتماعی چنین تعریف شده است: به مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

غیر الزامی حاکم و رایج بر نظامهای رفتاری جمع و جماعت و جامعـه، اخـلاق اجتمـاعی می‌گویند. (حق‌شناس، ۱۹) آنچه به زبان جامعه‌شناسی اخلاق اجتماعی شناخته مـی‌شـود، همان چیزی است که تحت عنوان جامعه‌پذیری در فرآیند درونی شدن عقایـد، ارزش‌هـا و هنجارها و یگانگی فرد با جامعه از آن بحث می‌شود به طور خلاصه در بحث از فرهنـگ، اخلاق اجتماعی به عنوان ارزش‌ها و قواعد رفتار در جامعه موضـوع مـورد بررسـی قـرار می‌گیرد. (خوشفر، ۲)

۲-۳-۳. امت

در بررسی مفهوم زیست اجتمـاعی، "امـت" مهمتـرین مولفـه تعیـین مفهـوم جامعـه و برداشت از آن در زیست اجتماعی است. چرا که نوع نگاه ما بـه مفهـوم جامعـه تـاثیر بـه سزایی در نوع رفتار و کنش ما خواهد داشت. با بررسی و پژوهش در مفاهیم دینی مفهـوم «امت» یکی از مفاهیمی است که به مفهوم اجتماع نزدیک است که البتـه معنـای خـاص و جدیدی از آن را ارائه می‌نماید. مفهوم امت یک واژه و مفهوم عقیـدتی اسـت کـه از ریشـه اَمّیامُ به معنی قَصَدَ یقصُدُ است. (راغب اصفهانی، ۲۳/۱) در تعریف امت گفته شده است کـه امت جامعه‌ای و گروه بزرگی از مردم است که رسالتی برای ایشان نازل شده است. (عزتی، ۱۷۹) امت به گروهی گفته می‌شود که براساس عقیده و ایدئولوژی مشـترک حـول دیـن و احکام الهی جمع شده‌اند و متحد گردیده‌اند. این تجمع منجر به شکل‌گیری یک جامعه دینی مشترک المنافع گردیده است و می‌توان گفت که صرفاً با زندگی در مکان مشترک و یا نـژاد مشترک محقق نمی‌شود (شریعتی، ۴۴)

۳. مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی با نگاه به قرآن و نهج البلاغه

با نگاه به آیات قرآن و سخنان امیرالمومنین(ع) در نهج‌البلاغه مولفه‌های زیر در زیست اخلاق اجتماعی به دست می‌آید:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

۳-۱. مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی در حوزه کلان

با توجه به مفاهیم و معارف دینی باید گفت که روش انبیا در حوزه اخلاق ارائه یک مکتب فکری و فلسفی صرف نبوده است، بلکه با یک نگاه کلان سعی در ایجاد یک بستر مناسب برای اخلاق اجتماعی و تربیتی در انسان‌ها بوده‌اند که این امر می‌تواند به صورت کلان و هدف غایی تربیت اخلاقی بشریت را محقق سازد که این امر با ایجاد بسترها، نظام‌ها، سازوکارها، قوانین و مقررات لازم عرصه‌های کلان جامعه فراهم می‌شود. در اینجا به اختصار به مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی در حوزه کلان اشاره می‌گردد.

۳-۱-۱. نظام تعلیم و تربیت در ساخت اخلاقی

نظام آموزشی به عنوان یک رکن اصلی تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش آحاد جامعه نقش بسیار تعیین کننده‌ای در عرضه الگوی مناسب یک انسان سالم در هر جامعه‌ای دارد. نظام آموزشی صحیح موجب محقق شدن تعاملات اخلاق محور می‌شود. از شاخصه‌های جامعه توسعه یافته و سالم این است که دارای نظام تعلیم و تربیت مترقی، زنده، با نشاط و پویا باشد. چنین نظام آموزشی می‌تواند انسان‌های مستقل، مبتکر و اخلاقی بسازد (مصباح یزدی، ۳۱۶)

طبق رهنمودهای قرآن کریم انسان موجودی است که ماهیت و حدی معین ندارد و متوقف نمی‌گردد، بلکه در جانب سیر صعود و یا سیر نزول در نوسان است، خداوند متعال می‌فرماید: «قد أَفلَحَ مَن زَكَّىٰهَا؛ وَقَد خَابَ مَن دَسَّىٰهَا» (الشمس، ۹-۱۰) بنابراین برنامه تعلیم و تربیت تاثیرگذار باید به گونه‌ای طراحی شود که تمامی ابعاد وجودی انسان را در بر گرفته و با فطرت او سازگار باشد. در قرآن کریم برای ارائه معنای تربیت اخلاقی، معنوی، الهی و دینی از واژه‌هایی مانند هدایت و تقوا، رشد و ایمان، تطهیر و تزکیه استفاده شده است. با توجه به شبکه معنایی آیات و ارتباط واژه‌های قرآنی جامع‌ترین کلمه تربیتی در قرآن بعد از واژه هدایت کلمه تزکیه است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

آیات تعلیم و تربیت در قرآن به فراخور فضای نزول در موضوعات مختلفی بیان گردیده است (البقره، ۱۲۹؛ البقره، ۱۵۱؛ آل‌عمران، ۱۶۴؛ الجمعه، ۲) با توجه به آیات فوق می‌توان دریافت که در اسلام همه چیز مقدمه خودسازی است، اگر بشر تحت تربیت الهی قرار گیرد، این حیات طیبه در نفس او به وجود خواهد آمد و محیط را طیب و طاهر خواهد کرد.

نظام تعلیم و تربیتی قرآن بر پایه‌هایی مستحکم است از جمله آن می‌توان به فطری بودن (الروم، ۳۰) جامعیت داشتن (الروم، ۷) عقلانیت، در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و اسوه مداری (الاحزاب، ۲۱؛ الممتحنه، ۴؛ الانعام، ۹۰) اشاره نمود.

امام علی (ع) نیز در مهندسی تربیت اخلاقی نقشه‌ای طرح‌ریزی نموده است که بر مبنای آن، راه‌یابی، راه دانی و راه سازی جهت سلوک الهی ترسیم می‌شود نظام تربیت اخلاقی نهج‌البلاغه مبتنی بر اصلی الگوساز است که این اندیشه را از دیگر اندیشه‌های تربیتی و اخلاقی غیر قرآنی متمایز می‌نماید. در نظام تربیتی نهج البلاغه فرد انسانی، محور قرار می‌گیرد انسان همراه با رفتار، طبیعت، اخلاق روانشناسی، وظایف و سرنوشت خود، همان اندازه در اندیشه امام مطرح است که مسئله خدا مطرح است (خیراللهی، ۹۳)

نظام آموزشی و پرورش یکی از مهمترین اصول برای ساخت زیست اخلاق اجتماعی محسوب می‌گردد؛ چرا که نظام تربیتی و آموزشی صحیح به پرورش انسان صالح می‌پردازد که این انسان به واسطه یافته‌های خود بستر لازم برای صدور فعل اخلاقی در سطح جامعه را داراست که در صورت عدم تحقق این امر نیز جامعه با اختلال روبه‌رو خواهد شد و از آحاد جامعه به دلیل آموزش‌ها و پرورش‌های نادرست فعل اخلاقی مناسب صادر نخواهد گردید.

۳-۱-۲. نظام سیاسی اخلاق محور

براساس مبانی دینی و فلسفه سیاسی اسلام و با الهام از منابع شریعت می‌توان دریافت که هدف حکومت تحقق قوانین الهی است. (عمید زنجانی، ۲۸۹) در قرآن کریم در توصیف

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

نظام سیاسی دینی ویژگی برجسته آن را استقرار دین می‌شمارد و مـی‌فرمایـد: «وَعَـدَ اللّـهُ الّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکّنَنّ لَهُمْ دِینَهُمُ الّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَیُبَدّلَنّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (النور، ۵۵) خداونـد بـه کسـانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت.

مراد از تمکین دین این است که دین بدون هیچ گونه مانع و رادع در جامعه پیاده شـود و عاملی جلوی تاثیر آن را نگرفته و موجب استهانت آن نشود. (طباطبایی، تفسیر المیـزان، ۲۰۸/۱۵) در آیات دیگر اطاعت از هر قانونی کـه مخـالف قـوانین الهـی باشـداطاعت از طاغوت و شرک شمرده می‌شود (النحل، ۳۶) که به آن کفر و ظلم اطلاق می‌شود. (المائـده، ۵۵) تاکید شده که مبنای هر گونه تصمیم‌گیری در جامعه باید اصول و احکام الهـی باشـد. (الشوری، ۱۰) در اختلافات و تنازعات باید به دین خدا مراجعه کرد.

در خطب و نامه‌های امیرالمؤمنین (ع) نیز به دفعات اقامه شریعت و اجرای حدود الهـی انگیزه قیام برای تشکیل حکومت و هدف غایی نظام دینی معرفی شده اسـت. (سیدرضـی، خطبه ۱۰۵)

در نگرش اسلامی قدرت همراه با رعایت اصول اخلاقی است و کـاربری آن در جهـت اقامه مصالح مردم و جامعه است و منافع فردی در راس قدرت یـا بـدون قـدرت از میـان برداشته می‌شود در اندیشه دینی و آموزه‌های اخلاق سیاسی، از حکومـت بـه امانـت یـاد می‌شود. شهید مطهری در این باره به آیه ۵۸ نساء اشاره می‌کند و مـی‌گویـد: قـرآن کـریم حاکم و سرپرست اجتماع به عنوان امین و نگهبان اجتمـاع مـی‌دانـد. (مطهـری، امامـت و رهبری، ۹۱)

یکی از اموری که در نظام سیاسی مورد نظر امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه بـه چشـم می‌خورد تقدم اخلاق در نظام سیاسی است. حضرت در نظام سیاسی خود حتی بـه دشـمن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

نیز احترام می‌گذارد برای مثال وقتی در جنگ جمل بر جنازه کشتگان رسید، آنها را بـرای آنها نماز گذارد و با احترام دفن کرد (سیدرضی، خطبه ۲۱۹) در نگرش اسلامی آنگـاه کـه اخلاق وارد قلمرو نظام سیاسی و اعمال قدرت شـد، دولتمـردان نظـام اسـلامی بـا ایجـاد بسترهای رشد و حرکت جامعه به سوی اخلاق گام‌های آغازین برای شکل‌گیری شهروندان و جامعه‌ای اخلاق محور را به وجود می‌آورد و سه گانه فرد، جامعه و نظام دولت اخلاقـی فراهم می‌شود. (بابایی و دیگران، ۷۵)

با بررسی آیات قرآن به این نتیجه می‌توان دست یافت که ماموریت رهبران الهی صـرفاً هدایت اعتقادی و معنوی و تامین سعادت اخروی مردم نیست، بلکه آنان در امـور دنیـوی مردم نیز دنبال هدف‌هایی هستند. این امور دنیوی بسترساز نیل به اهداف معنوی و اخـروی خواهد بود. (ورعی، ۱۲۱/۱) اگر حاکمیت و حکمرانان به گونه‌ای در نظام سیاسـی رفتـار کنند که بسترهای یک زندگی سالم و صالح را برای مـردم پدیـدار کننـد، همچنـین بـا بـه کارگیری روش‌های الهی و دینی هرگونـه کـژی و ناراسـتی را سیاسـت‌هـای کـلان کنـار بگذارند، این امر موجب می‌شود که مردم در یک بستر مناسب یک زیست اخلاقی درسـتی را تجربه نمایند که در صورت نبود این نظام سیاسی سالم حتما زیست اخلاقی مردم دچـار چالش و مشکل جدی خواهد شد.

۳-۱-۳. نظام اقتصادی اخلاق محور

اقتصاد یکی از موضوعات مهمی است که همـواره از مهمتـرین دغدغـه‌هـای مـردم در اعصار و اقطار مختلف بوده است. چگونگی وضعیت اقتصـادی مـردم و همچنـین معیشـت ایشان نقش مهمی در وضعیت دینی و اخلاقی جامعه دارد. در نظام اقتصادی صحیح بر پایه مبانی اخلاقی می‌توان جامعه‌ای سرشار از سرمایه به همراه مطلوبیت زیستی را فراهم آورد.

مهمترین چیزی که مجتمع بشری را بر اساس خود پایدار مـی‌دارد، اقتصـادیات جامعـه است که خدا آن را موجب قوام اجتماعی قرار داده است. ما اگـر انـواع گناهـان، جـرائم و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقا آمارگیری کنیم و به جستجوی علت آن بپردازیم خواهیم دید که علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: اول فقر مفرط و دوم ثروت بی‌حساب است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۳۳۰/۹)

در موضوع اقتصاد در جامعه در نظام اقتصادی قرآن اصولی پایه گذاری شده است، برای مثال در عرصه تولید، اعتقاد به رزاقیت الهی یکی از اصول اساسی در این حوزه است. (هود، ۶) ایمان به قدر الهی یکی از اصول مهم دیگر است. (الحجر، ۲۱) خداوند متعال افزایش ایمان و اخلاق و تقوا و شکر را عامل افزایش نعمت و کفران، اسراف و طغیان را عامل از بین رفتن نعمتها می‌داند (الاعراف، ۹۶؛ الابراهیم، ۷) در حوزه توزیع، خداوند متعال اصولی را در قرآن بیان می‌نماید؛ برای مثال پرهیز از کم فروشی (المطففین، ۱-۸) را هشدار می‌دهد و یا به مبارزه با رباخواری اشاره می‌نماید. (آل‌عمران، ۱۳۰-۱۳۱) در حوزه مصرف نیز قرآن به شدت به پرهیز از اسراف و تبذیر توصیه می‌نماید. (الاسرا، ۲۷-۲۸) با جمع‌آوری آیات فراوانی که در خصوص مسائل اقتصادی جامعه در قرآن مطرح شده است به اهمیت موضوع اقتصاد پی می‌بریم. همچنین یک نظام جامع و نگاه متفاوت به مسائل اقتصادی پیش روی ما قرار می‌گیرد که در عرصه‌های دیگر زیست اجتماعی نیز تاثیرات فراوان و عمیقی داردعرصه‌هایی که تاثیر فراوانی از نظام اقتصادی در جامعه می‌پذیرد، عرصه زیست اخلاقی است. در اقتصادی که بر پایه اخلاق بنا شده باشد، باید پاسداشت حرمت انسان در نسبت با دارایی و روابط و مناسبات اقتصادی صورت پذیرد.

اقتصاد اخلاق مدار صفات و رفتارهایی است که دارای آثار اقتصادی هستند و این صفات و رفتارهای اقتصادی اموری هستند که در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف مطرح می‌شوند. (فتحعلی خانی، ۲۸۹/۱) با بررسی آیات و روایات نهج‌البلاغه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که قرآن و همچنین روایات امیرالمؤمنین موضوع معیشت و نظام‌های اقتصادی دارای اهمیت فراوانی هستند اما با یک نگاه متفاوت از دیگر مکتب‌های اقتصادی در این نوع نگاه بر کرامت انسانی است و ایجاد شرایط مناسب اقتصادی در حوزه‌های تولید و مصرف برای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

تمام مردم اصل است، اما تفاوت اصلی در این است که داشتن ثروت یا نداشتن آن به خـودی خود یک فضیلت محسوب نمی‌شود، بلکه جامعه سـرمایه‌دار زمـانی مـی‌توانـد یـک جامعـه مطلوب محسوب گردد که ثروت و سرمایه در اختیار اخلاق در جامعه قرار گیرد.

نکته حائز اهمیت این است همانطور که اقتصاد بسترساز زیسـت اخـلاق اجتمـاعی در جوامع بشری است، در نقطه مقابل، اقتصادی که صرفاً منفعت و سود محور باشد می‌توانـد ضربات سنگینی به اخلاق جامعـه وارد سـازد. همـانطور کـه اقتصـاد در زیسـت اخلاقـی تاثیرگذار است به تبع زیست اخلاقی و ارزش‌های اخلاقـی نیـز تـاثیر بسـیاری در رشـد اقتصادی جامعه دارد. ارزش‌هایی مانند امانت‌داری، احسان، منع دزدی، منـع خیانـت، منـع رشوه، منع ربا، پرداخت زکات و خمس و... که همه اینها تاثیر مسـتقیم در رشـد اقتصـادی جامعه می‌توانند داشته باشند. با مراجعه به قرآن با بسیاری از اقـوامی کـه سرنوشـت آنهـا متاثر از رفتارها و ارزش‌های اخلاقی و اقتصادی آنها بوده است، مواجه می‌شویم. بسـیاری از این اقوام و ملل از اینکه فضیلت‌های اخلاقی را در مناسبات و نظامـات اقتصـادی کنـار گذاشته‌اند و رذایل اخلاقی را در جامعه حاکم کرده‌اند به نابودی کشیده شده‌اند یا بـرعکس برخی از جوامعی که به تعالی و رفاه و توسعه دست یافته‌اند از فضایل اخلاقـی در اقتصـاد خود تاثیر پذیرفته‌اند.

۳-۱-٤. نظام امنیت اجتماعی اخلاق محور

مهمترین عامل برای رسیدن به جامعه ی دینی پایدار و با ثبات که مبـانی دینـی در آن اجرا گردد و مردم براساس مولفه‌های اخلاقی زیست اجتماعی صحیحی را تجربـه کننـد و دنیا و عقبای ایشان توامان دارای صلاح گردد، موضوع امنیت است. یکـی از ویژگـی‌هـای عمومی جامعه مطلوب قرآن برقراری امنیت کامل و همه جانبه است. در سـوره قـریش در کنار تامین امنیت، معیشت را شاخصه اصلی جامعه مطلوب بر می‌شمارد: «**ٱلَّذِیٓ أَطۡعَمَهُم مِّن جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۭ**» (قریش، ۴)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

افزون بر آیه مذکور، در قرآن امنیت و آرامش همراه با رفاه اقتصادی به عنوان ویژگی جامعه سعادتمند معرفی شده است: «وَضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللّهِ فَأَذَاقَهَا اللّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (النحل، ۱۱۲) خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ امّا به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید!

قرآن به مفهوم امنیت، در نظام معنایی خود یک رویکرد هدایتی دارد و آن را در پیوند با بخشی دیگر از مفاهیم اسلامی می‌داند؛ زیرا قرآن امنیت را یک نعمت مهم از طرف خداوند می‌داند. (الانفال، ۲۶) و فرجامی حتمی برای مومنان صالح می‌شمارد (النور، ۵۵) این آیه علاوه بر اشاره به موضوع فوق، نکته دیگری را نیز گوشزد می‌کند و آن اینکه از نظر قرآن امنیت می‌تواند زمینه ساز و بسترساز مردم به عبادت خداوند متعال باشد. اگر در جایی امنیت رقم خورد، بندگی خداوند نیز به تبع آن خواهد بود و فقدان بستر خداوند به معنای فقدان امنیت واقعی است.

در نهج‌البلاغه مشاهده می‌کنیم که حضرت امیرالمؤمنین (ع) نیز به اهمیت امنیت توجه داشته است. او فلسفه وجودی نظام‌های سیاسی و حاکمیت را تامین امنیت برای مردم دانسته است در این امر هیچ فرقی بین نظام سیاسی دینی و غیر دینی قائل نشده است؛ چرا که اگر امنیت برای آحاد جامعه توسط هر حاکمیتی رخ ندهد، آن نظام سیاسی مشروعیت خود را از دست خواهد داد؛ چرا که فلسفه وجودی این نظام تامین امنیت برای مردم است (سید رضی، خطبه ۴۰) امنیتی که در اندیشه و سیره امیرمومنان (ع) مشاهده می‌شود مانند هر مقوله دیگری کاملا اخلاقی است، بدین معنا که درک امام از امنیت و ساختار آن مبتنی بر اخلاق است. امام روابط و مناسبات امنیتی را تابع اخلاق می‌جوید و تلاش می‌کند با راهبردن مجموعه ابزار حکومت در مسیر اخلاق و نیز راهنمودن مردم به اخلاق گرایی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

امنیت در عرصه‌های مختلف را بر پایه اخلاق سامان دهد. چنین امنیتی فراگیر و درون‌زا است. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فراهم کردن امنیت همه جانبه را مقصد اساسی می‌دانست که در سایه آن رشد و تعالی مردمان سامان می‌یابد.

با توجه به آیات مختلف قرآن کریم، همچنین معارف بلند نهج‌البلاغه می‌توان نتیجه گرفت امنیت یکی از اصلی ترین بسترهای زیست اجتماعی در هر جامعه بشری است که با وجود آن در ابعاد مختلف می‌توان زیست اخلاقی صحیح را نیز تجربه کرد. چرا که امنیت مایه آرامش و سکینه مردم است و در سایه این آرامش صدور فعل اخلاقی در جامعه بیشتر خواهد شد و همه آحاد جامعه در کنار هم زیست اخلاق اجتماعی را تجربه خواهند کرد.

۳-۲. مولفه های زیست اخلاق اجتماعی در حوزه خرد و بین فردی

۳-۲-۱. اولین گام زیست اخلاق اجتماعی؛ دستیابی به بینش صحیح

در اسلام تاکید ویژه‌ای بر ساحت شناخت و معرفت انسان شده است و از مهمترین استعدادهای بشری شمرده می‌شود. توانایی شناختی و بینشی انسان محصول توانایی هوش و ادراک اوست. این امر از امتیازات انحصاری انسان است و در سایر موجودات یافت نمی‌شود. شناخت و بینش تاثیر عمیق و علی بر رفتار و گرایش انسان می‌گذارد و به عبارت دیگر آنها را متحول می‌سازد. اگر نگرش و بینش انسان به صورت صحیحی گیرد، برای تحول رفتار و گرایش نیز مهیا می‌شود و بسیاری از رفتارهای انسان تنظیم و اصلاح می‌گردد. انتخاب بینش صحیح در انسان موجب می‌شود که رفتارهای انسان جهت و شکل درستی به خود بگیرد. برای طرح ریزی یک زیست اخلاقی صحیح بینش صحیح از مولفه‌های اساسی به‌شمار می‌آید که به اختصار اشاره ای به زیر مولفه های آن خواهیم داشت.

۳-۲-۱-۱. توحید

عقیده به توحید و شرک علاوه بر اینکه دارای مبانی نظری است، در تمام شئون عملی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

انسان نیز جاریست. با نگاهی به روابط اجتماعی میان کشورها و روابط مردم در زیست اجتماعی آنها می‌توان آثار این عقاید را به خوبی حس کرد. (جوادی آملی، تفسیر قرآن، ۱۸۸/۱۷) اعتقاد و باور انسان در نوع زندگی او بسیار موثر است. شناخت انسان از خدا و فهمی که از او دارد، تاثیر بس مهم در زندگی‌اش دارد، به طوری که این شناخت در گفتار، کردار و روش زندگی و منش رفتاری نقش داشته و آنها را می‌سازد.

باید دانست باور به توحید و خداشناسی تنها امری ذهنی، فطری و قلبی نیست، بلکه امری است که می‌بایست در عینیت زندگی ظهور کند و در برنامه زندگی قرار بگیرد و در قول و فعل نمود داشته باشد. این امر از معرفت به خداوند متعال ناشی می‌شود، یعنی هر طور انسان خدا را بشناسد و او را دریابد بر همان اساس پایه‌های زندگی‌اش را استوار می‌سازد.

روح توحید در اخلاق کریمه‌ای که دین اسلام دعوت به آن کرد ساری و جاری است و روح اخلاق نیز در اعمالی که افراد مجتمع مکلف به انجام آن هستند، منتشر است؛ پس همه اجزای دین اسلام اگر خوب تجزیه و تحلیل شوند به توحید برمی‌گردند و توحید اگر به حال در آید، به صورت اخلاق و اعمال در می‌آید. توحید اگر از مقام حالی به اعتقادی فرود آید، اخلاق و اعمال می‌شود و اگر اخلاق و اعمال از درجه نازل خود بالاتر روند توحید خواهند بود (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۷/۴) آنچه موجب ارزش اخلاقی برای همه صفات اکتسابی و رفتارهای اختیاری انسان در عرصه‌های گوناگون زندگی می‌شود توحید است. به عبارت دیگر اساس ارزش‌ها به رابطه انسان و خدا برمی‌گردد و ما از این امر به منشا بودن توحید برای ارزش‌های اخلاقی یا منشا بودن آن برای زیست اخلاقی تعبیر می‌کنیم (همان، ۲۵/۱) اعتقاد به توحید موجب می‌شود روابط بین فردی در زیست اجتماعی نیز بر این اساس بنا شود و روابط رنگ و بوی الهی بگیرد. به عبارت دیگر اگر دو انسان در یک جامعه در درجه عالی از رشد و کمال الهی، رابطه با یکدیگر برقرار کنند این رابطه بر مبنای وحدت میان ارواح آنان و احساس برین هماهنگی خواهد بود. (جعفری، ۲۸۸/۱۰)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

امیرالمؤمنین در حکمت ۸۹ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ» کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد.

امیرالمؤمنین (ع) در این بیان نورانی به نکته مهمی اشاره می‌نماید، اینکه در زیست اجتماعی خود و در تمام شئون حیات خود در مقابل هر امر قرار می‌گیرند، نخست نگاه می‌کنند که رضای خدا در چیست و اگر رضای خدا در آن امر باشد، آن فعل را انجام می‌دهند. براساس آیات و روایات جهان بینی انسانی در مواجهه او با پدیده‌ها بسیار تاثیرگذار می‌باشد است و یکی از مهم‌تر مهمترین بینش‌ها در معارف دینی بینش توحیدی است که پایه و اساس تمامی مفاهیم دینی است. اگر نگاه توحیدی در یک جامعه‌سازی و جاری گردد، نتیجه بسیار شگفت‌آور خواهد بود. بدین معنا که مردم یک زیست اخلاقی اجتماعی در بالاترین سطح و متعالی خواهند داشت و آحاد جامعه از حضور در جامعه و معاشرت با دیگران در این اجتماع کمال بلذت و بهره را خواهند برد.

۳-۲-۱-۲. معاد و نقش آن در زیست اخلاق اجتماعی

باور به معاد در ساماندهی و اصلاح رفتار اخلاقی انسان در عرصه‌های مختلف زندگی نقش‌آفرینی می‌کند و بدین ترتیب انسان نتایج اعمال خویش را در آباد شدن آخرت و دنیای خود به دست می‌آورد. خداوند متعال در قرآن کریم در دو ساحت در خصوص تاثیر باور به معاد در اخلاق سخن می‌گوید، از سویی در مورد تاثیر باور معاد در صدور فعل اخلاقی از انسان سخن می‌گوید و دیگری در مورد تاثیر عدم باور به معاد در ترک ارزش‌های اخلاقی آیاتی را بیان نموده‌اند. در بسیاری از آیات قرآن وقتی از رفتار اخلاقی گفتگو می‌شود با عنوان‌هایی همچون ایمان به معاد، محبت به خداوند، تصدیق معاد، ترس و خوف از دوزخ، گرایش و طمع به بهشت، حساب و کتاب، سپاسگزاری و شکر در برابر خداوند همراه می‌شود تا معلوم گردد که اصولاً اخلاق و پذیرش اصول اساسی آن مساوی با پذیرش رستاخیز و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

معاد است و بین این دو یک رابطه علی و معلولی برقرار است (البقره ۳ و ۴)

مسئولیت اخلاقی در برابر خداوند متعال، اعتقاد به معاد را در پی دارد؛ چرا که حکمت خداوند ایجاب می‌کند که جهان دیگری باشد و در آنجا مشاهده هدف‌گیری‌های انسان، همچنین کردار و گفتار او محقق گردد در این هنگام ابدیت برای انسان شروع می‌شود و مسئله تقسیم انسان به شقی و متوسط به میان می‌آید. (جعفری، ۱۵۰/۴)

نکته حائز اهمیت اینجاست که ایمان به معاد و نگاه به آخرت صرفاً برای بهشت یا دوری از جهنم نیست. اصل اساسی در اخلاق رسیدن انسان به کمال متعالیست چرا که معاد یک زندگی دوباره برای انسان بوده و سرای همیشگی انسان است و وی خود را برای آن زندگی ابدی باید آماده بکند و از پل دنیا به سلامت عبور کرده و به مقصد نهایی برسد. حضرت امیرالمؤمنین در این خصوص می‌فرماید: «أَیُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا الدُّنْیَا دَارُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّکُمْ لِمَقَرِّکُمْ» (سیدرضی، خطبه ۲۰۳)

از نکات فوق‌الذکر و آیات شریفه قرآن و بیانات نورانی حضرت امیرالمومنین (ع) می‌توان نتیجه گرفت که معادباوری و توجه به سرای آخرت یکی از بنیادی‌ترین مبانی زیست اخلاق اجتماعی و البته فردی که نقش تعیین کننده‌ای در تنظیم رفتار و اخلاق انسان‌ها در سطوح مختلف دارد و توجه و عدم توجه به این امر آثار مثبت و در نقطه مقابل، ویرانگری در زیست اجتماعی آحاد جامعه دارد.

۳-۲-۱-۳. شناخت انسان و تاثیر آن در ساخت زیست اخلاق اجتماعی

انسان مهمترین موضوع آفرینش و خلقت در عالم هستی است به تبع آن انسان شناسی نیز به عنوان مهمترین موضوع شناختی در هر مکتبی مطرح است، انسان شناسی بر هر چیزی مقدم است از جمله علم اخلاق؛ به همین دلیل است تا ندانیم انسان کیست و ماهیت او چه چیزی است واجد و یا فاقد روح است یا نه، و موضوعات متنوع دیگر، نمی‌توان از بایدها و نبایدها سخن گفت. (کازرونی، ۱۷۱/۹۴) از آنجایی که محور اخلاق مخصوصاً

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

اخلاق اجتماعی، انسان است، ضرورت دارد موضوع شناخته شود.

آموزه‌های قرآن کریم یک تصویر واقع‌بینانه از حالات و رفتار انسان را ارائه می‌کند این تصویر واقع بینانه در مقابل تصاویری که خوش بینانه محض و یا بدبینانه محض هستند. در نگاه قرآن انسان یک موجودی است کـه دارای یـک سرشـت جهـت‌دار اسـت و در برابـر خوبی‌ها و بدی‌ها موضع یکسانی ندارد، گرایش به حق در سرشـت انسـانی هـم در عـالم درون و هم در عالم برون آمیخته شده است (الروم، ۳۰)

شناخت انسان و استعدادهای درونی می‌تواند نقش فراوان و موثری در اخلاق به دنبـال داشته باشد از بین قوای نفس عقل شریف‌ترین نیـرو در وجـود انسـان اسـت (طباطبـایی، تفسیر المیزان، ۵۷/۳) رشد جنبه‌های وجودی انسان ذیـل نظـارت عقـل مایـه آرامـش و راهیابی انسان به سعادت است و شاخص اصیل زیست انسانی عقل بوده و کیفیـت حیـات بشری بستگی به کیفیت حاکمیت عقل در زندگی انسان دارد. شناخت انسان بـاب ورود بـه همه امور انسانی می‌باشد و نوع شناخت انسان تعیین کننده همه ابعـاد و سـاحات زنـدگی انسان است و نوع نظام زندگی بشر را تعیین می‌کند شناخت انسان وارزش‌ها و استعدادهای خویش بهترین شناخت‌هاست و هیچ چیزی مانند او آدمی را کفایت نمی‌کند تا انسان خـود را نشناسد وبه گوهر وجودی خود که بالاترین و والاتـرین گوهرهاسـت آگـاه نباشـد، در مسیر تربیت حقیقی خود و شکوفا شدن استعدادهای خـویش گـام برنمـی‌دارد. بـر همـین اساس است که حضرت امیر(ع) فرموده است: «مَعْرِفَةُ اَلنَّفْسِ أَنْفَعُ اَلْمَعَارِفِ» سـودمند تـرین معرفتها شناخت نفس است. (خوانساری، ۱۷۲/۶)

همه احکام اجتماعی اسلام در ساحت‌های مختلف من جمله اخلاق ارتباط مستقیمی با شناخت انسان دارد؛ زیرا تا انسان درست شناخته نشود، روابط و نیازهای او نیـز مشـخص نمی‌شود. احکامی که برای موجود باید اعمال گردد نیز به دست نمی‌آید. ما در سایه وحـی می‌توانیم هر آنچه خداوند بر ما نازل کرده اسـت را بپـذیریم. اگـر حقیقـت وجـود آدمـی مکشوف نگردد، کمالاتی که اخلاق پسندیده ممکن است به دست بیاید مشخص نمی‌گـردد،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

حتی معیارهای صحیح اخلاق نیکو و تشخیص آنها از اخلاق نکوهیده نیست به صورت کامل به دست نمی‌آید.

۳-۲-۱-٤. نگاه به دنیا و تاثیر آن در ساخت زیست اخلاق اجتماعی

برای درک هرچه بهتردنیا در بینش اسلامی می‌توان اثر این جایگاه در شقاوت و سعادت انسان را ملاحظه نمود. انسان درسیر تکاملی خود در محیط دنیا قرار می‌گیرد و همه رشد و کمال او به استفاده درست از این جایگاه مربوط می‌شود. دنیا یک برهه نقش آفرین در حیات انسان است و رقم زننده شقاوت و یا سعادت او خواهد بود. تمام رشد و حرکت تکامل انسان در این برهه صورت می‌پذیرد؛ لذا شناخت دقیق این جایگاه به همراه ایجاد یک رابطه صحیح با آن برای هر انسانی اهمیت بسیار بالایی دارد. حضرت امیر در مدح دنیا می فرماید: «اِنَّ الدُّنْیَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِیَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا... (سیدرضی، حکمت، ۱۳۱) متون دینی، جهان را در حیات ناپایدار و زودگذر مادی منحصر ندانسته‌اند و با اعتراف به عظمت دنیا همواره یک حیات دیگر که عظمت بیشتری دارد را گوشزد می‌نماید؛ بنابراین انسان از دیدگاه اسلام، با اینکه میوه‌ای از میوه‌های درخت این دنیاست، ولی دامنه حیات و وجودش تا ماورای دنیا گسترده گردیده است. قهراً این انسان با این اهمیت نباید هدف غایی خود را مادیات و دنیا قرار دهد و خود را به دنیا بفروشد. (مطهری، بیست گفتار، ۲۴۶-۲۴۷) می‌توان به دنیا به دو شیوه نگریست: یک نگاه آلی است که انسان دنیا را وسیله و آلت برای رسیدن به هدف متعالی و مقصد نهایی خود بداند و نگاه دیگر نگاه استقلالی است که دنیا را فی نفسه ترجیح دهد و به آن توجه نماید؛ به عبارت دیگر نگاه به دنیا یا خود دنیاست برای آخرت. (غضنفری، ۴۹۸/۱) امیرمؤمنان(ع) راه را به نگاه به دنیا و نگاه با دنیا تقسیم کرده است: «مَنْ ابْصَرَ فیها بَصَّرَتْهُ وَمَنْ ابْصَرَ اِلَیها اعْمَتْهُ» (سیدرضی، خطبه ۸۱) اگر انسان با چشم بصیرت به دنیا نگریست دنیا به او درس و پند و اندرز می‌دهد و یک وسیله برای صعود در کمالات معنوی و روحی می‌گردد. از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

سوی دیگر دنیا می‌تواند انسان را کور کند و چشم حقیقت بین او را ببندد و وسیله نـابودی و هلاکت وی را فراهم آورد. دنیا و نگاه ما به آن از اصول اساسـی در سـاخت یـک زیسـت اخلاقی اجتماعی است. به این معنا که نگاه درست به دنیا منجر به صـدور افعـال اخلاقـی از آحاد افراد در جامعه خواهد شد که یک جامعه مطلوب سرشار از مهر و محبـت و همـدلی را ایجاد خواهد کرد. در غیر این صورت دنیا محل تاخت و تاز و مسابقه برای به دسـت آوردن منفعت بیشتر به هر قیمتی خواهد شد که این خود آغاز پایان اخلاق در جامعه است.

۳-۲-۲. گام دوم زیست اخلاق اجتماعی؛ ایجاد گرایش صحیح

یکی از مهمترین مؤلفه‌های موثر بر رفتار انسان، گـرایش‌هـای درونـی و امیـال آدمـی است. به همین دلیل بسیاری مباحـث در علـوم انسـانی مختلـف از جملـه علـوم تربیتـی، مدیریت، روانشناسی و اخلاق با گرایش‌های انسـان پیونـد خـورده‌انـد. مـراد از گـرایش همانطور که در فلسفه نیز مصطلح است کششی درونی است که موجب حرکـت انسـان بـه سمت چیزی و توجه انسانی به پدیده ای می‌شود. (شیرازی، ۷۸/۴)

قـرآن ارزشـیابی رفتـار انسـان را در گـرایش‌هـای فـردی و اجتمـاعی، همچنـین در موضع‌گیـری‌هـای او بـا دو معیـار اساسـی حـب و بغـض ارزیـابی مـی‌نمایـد و در قـرآن جهت‌گیری‌ها با این مبنا نکاتی را بیان می‌نماید (التوبه، ۲۴) در آیه ۲۴ توبه بـه خـوبی بیـان می‌دارد که ملاک ارزیابی در افعال انسان گرایش و کشش اساسی به سـمت خداونـد بـوده و اولویت دادن ایشان و فرستادگان او در حب بر دیگران از ملاک‌های ارزش گذاری انسـان‌هـا است، پس باید گفت که متعلق حب و بغض در تاثیر آنها بر انگیزش اخلاقـی بسـیار اهمیـت دارد. اصل وجود حب و بغض در انسان‌ها یک امر فطری محسوب می‌گردد (ارفع، ۱۱۸/۱)

تلاقی بحث محبت با زیست اخلاق اجتماعی در آنجایی است کـه هرگونـه محبتـی بـه دیگران به خاطر خدا و در راه خدا باشد صرفاً از روی معیارهـای دنیـوی و یـا تمـایلات شخصی نباشد و اینکه انسان کسی را که مورد محبت خداونـد و در مسـیر هـدایت اوسـت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

دوست بدارد هرچند که از نظر برخی مسائل کم اهمیت و فرعی‌تر توافق کامل با او نداشته باشد. محور تمامی افعالی که انسان به صورت اختیاری انجام می‌دهد میل و دوست داشتن است انسان بدون محبت نمی‌تواند زندگی کند قرآن او را یک فاعل مختار با اراده می‌داند اختیار و اراده فرع بر علاقه است انسان چیزی را اراده می‌نماید که مورد رغبت و محبوب او باشد همچنین از منفعت آن آگاه باشد دل بسته باشد تا اراده کند. (جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ۳۴۹/۲) هیچ کار اختیاری و ارادی وجود ندارد که انجام دهنده آن رضایت، محبت، میل، گرایش و کششی نسبت به آن نداشته باشد کسی که یک داروی تلخ را می‌خورد و یا خود را در اختیار جراح قرار می‌دهد تا بخشی از بدن او را عمل کرده و قطع نماید از روی علاقه به خود و جهت سلامت خود این کار را انجام می‌دهد. (مصباح یزدی، ۹۸) امیرالمؤمنین (ع) دو گرایش اصلی نسبت به دنیا و آخرت را بیان نموده و متذکر می‌شود که محبت به دنیا ستیز با آخرت را به همراه داشته و نزدیکی به هر یک دوری از دیگری را در پی خواهد داشت. (سیدرضی، حکمت ۱۰۳) در حقیقت انسان به چیزی گرایش پیدا می‌کند که قبلاً آن را فهمیده باشد به عبارت دیگر محبت انسان و گرایشهای او از روی ناآگاهی و بدون علم نخواهد بود؛ چرا که انسان موجودی مختار و عالم است، تمام گرایش‌های او با رهبری فطرت صورت می‌پذیرد (جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ۳۸/۸)

گرایش فطری انسان به صورت خرد و در جامعه به صورت کلان، سبب ایجاد وحدت و هماهنگی در روح و روان گردیده و سلامت روان را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. از آنجایی که انسان‌های موحد به صورت خالصانه تسلیم یک نفر و یک قدرت مطلق هستند به یک آرامش روحی و وحدت می‌رسند (مطهری، فلسفه اخلاق، ۲۵) در نتیجه باید بیان داشت که بینش صحیح در انسان گرایش و میل به حرکت ایجاد می‌کند که اگر این گرایش‌ها در مسیر درست و حقیقی خود قرار بگیرد حتما نتایج مطلوبی خواهد داشت به این معنا که میل انسان به سمت اخلاق و زیست اجتماعی مطلوب خواهد بود و در غیر این صورت انسان دچار اختلال در گرایش شده و نتیجتا اختلال در رفتار و اخلاق را در پی خواهد داشت.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

٤-۲-۳. گام سوم تحقق زیست اخلاق اجتماعی؛ صدور کنش اخلاق مدارانه

هر فعالیتی که علاوه بر جنبه روحی و روانی جنبه جسمانی نیز داشته باشد، رفتار محسوب شده به عنوان کنش از آن نام برده می‌شود. در این ساحت از انسان با اختیار سر می‌زند، قرار می‌گیرد، اعم از آنکه این اعمال و رفتار درونی بوده و یا به کارگیری جوارح بوده باشد. در قرآن کریم تمام عباداتی که برای انسان ذکر گردیده است در ساحت کنشی قرار می‌گیرد ایمان به غیب، اقامه نماز، روزه گرفتن، انفاق پرهیز از کفر از اولیای الهی، شکرگزاری نعمت‌ها، صبر بر مصیبت، معصیت و طاعت، قرائت قرآن شرکت فعال در مناسب مراسم عبادی. (گروهی از نویسندگان، ۲۳۲ تا ۲۳۸)

پس از کسب بینش صحیح و رسیدن به یک گرایش صحیح زمینه برای صدور کنش و فعل اخلاقی در انسان ایجاد می‌شود که این کنش صحیح بر اساس آیات قرآن و بیانات امیرالمومنین (ع) در نهج‌البلاغه شامل مولفه‌های زیر می‌گردد:

٤-۲-۳-۱. احسان

از جمله مفاهیمی که در قرآن کریم بسیار به کار رفته است احسان است؛ از نگاه اسلام احسان یکی از تکالیف اخلاقی بسیار مهم و اساسی در زیست اجتماعی دینی به حساب می‌آید با بررسی آیات قرآن به این نتیجه می‌رسیم که احسان براساس نوع کاربرد آن در سه معنا به کار گرفته شده است یک. انجام کار نیک، دو. نیکی کردن به دیگری و سه انجام کاری به شکل کامل آن (علی اسدی، ۹۶) احسان از مهم‌ترین مولفه‌ها در زیست اخلاق اجتماعی احسان است که خداوند در قرآن به آن امر نموده است (النحل، ۹۰)

به همین جهت امیرالمؤمنین علیه السلام در حکمت ۲۳۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ، وَ الْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ» چرا که برقرار شدن نظم جامعه انسانی بدون احسان و عدل و انصاف امکان‌پذیر نخواهد شد. یکی از مهمترین کارکردهای احسان در حوزه زیست اجتماعی می‌توان به دوستی و صمیمیت بین آحاد جامعه اشاره نمود که موجب تقویت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

پیوندهای اجتماعی می‌گردد. خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره فصلت به این موضوع اشاره نموده و احسان را عامل صمیمیت و گرمی روابط می‌داند: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.

در این آیه شریفه نکته مهمی را زیست اخلاق اجتماعی اشاره می‌نماید و آن اینکه در مقابل بدی‌ها نیز امر به احسان کردیده‌ایم که اگر این امر محقق شود حتما جامعه رو به صلاح و آرامش خواهد رفت و نفرت‌ها و بدی‌ها به دوستی‌ها و محبت‌ها تغییر خواهند یافت که در این صورت است که جامعه رنگ سعادت رو به خود خواهد دید.

٤-۲-۳-۲. وفای به عهد

زندگی انسانی در زیر سایه مناسبات و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد آن چیزی که مناسبات اجتماعی و روابط ما را قابل اطمینان و سالم می‌سازد، پایبندی به عهد و پیمان است وفای به عهد در زیست اجتماعی رکن اساسی زندگی انسانی است و غفلت و سستی در آن تبعات بسیار سنگینی در جامعه خواهد داشت و هیچ امر اجتماعی در جامعه به سلامت به ثمر نخواهد نشست. (دلشاد تهرانی، ۸۷۵)

خداوند متعال در قرآن کریم خود را با وفاترین به شمار آورده و می‌فرماید: «وَ مَنْ أَوْفى بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ» (التوبه، ۱۱۱) امیرمومنان (ع) نیز پیمان بین مردم را عهد الهی می‌داند چرا که در حریم الهی منعقد گشته و گویی دست خدا در آن پیمان است و شکستن پیمان و عهد به منزله شکستن پیمان خداوند و حرمت الهی است. (سیدمحمدمهدی جعفری، ۱۳۹۳) از آنجایی که انحراف در جامعه سبب دگرگون گشتن ارزش‌های صحیح اخلاقی می‌شود گاه فریب، نیرنگ و پیمان شکنی نوعی هوشیاری و ذکاوت به حساب می‌آید. در نقطه مقابل پایبند بودن به پیمان و عهد ساده لوحی قلمداد می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۴۵۸/۲-

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

۴۴۵) در صورتی که وفای به عهد در اقشار مختلف جامعه محقق گردد ما یک جامعه سالم و موفق خواهیم داشت و اگر در جامعه طبقات مختلف آن مورد احترام قرار گیرند و به حقوق حقه‌ی خود دست یابند عدالت اجتماعی، آسایش و امنیت انسان‌ها در آن جامعه برقرار گشته و همه از رحمت گسترده الهی بهره‌مند خواهند شد. «وَقَدْ جَعَلَ اللهُ عَهْدَهُ وَذِمَّتَهُ أَمْناً أَفْضَاهُ بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ، وَحَرِيماً يَسْكُنُونَ إِلَى مَنَعَتِهِ، وَيَسْتَفِيضُونَ إِلَى جِوَارِهِ» (سیدرضی، نامه ۵۳) خداوند عهد و پیمانی را که با نام او منعقد می‌شود به رحمت خود مایه آسایش بندگان و حریم امنی برای آنها قرار داده تا به آن پناه برند و برای انجام کارهای خود در کنار آن بهره بگیرند.

٤-۲-۳-۳. امانت داری

امانت‌داری به عنوان یکی از مهمترین فضیلت‌های اخلاقی در حوزه تعاملات اجتماعی به حساب می‌آید در بسیاری از روایات این فضیلت اخلاقی به عنوان نشانه و شاخص دینداری و ایمان مطرح گردیده است و کسی را که امانتدار باشد بی‌دین اطلاق شده است. در آیه شریفه ۱۲۵ سوره مبارکه شعرا امانت داری به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های انبیا نام برده شده است، از طرف دیگر در آیه ۸ سوره مبارکه مومنون امانت داری به عنوان یکی از برجسته‌ترین صفات مومنین واقعی بیان گردیده است. امیرالمومنین(ع) یکی از ویژگی‌های متقین را حفظ امانت می‌داند و می‌فرمایند: «لَا يُضِيعُ مَا اسْتُحْفِظَ» (سیدرضی، خطبه) آن چه را به او سپرده اند ضایع نمی‌کند. نکته حائز اهمیت اینکه امانت دو معنا را معنای خاص که شامل امانت‌های مالی مردم شده که در نزد یکدیگر می‌سپارند و حفظ آنان از واجبات قلمداد گشته و معنای عام که شامل هرگونه موهبت و مسئولیت الهی است به این ترتیب دامنه معنایی امانت بسیار گسترده شده و همه چیز را در بر می‌گیرد اعم از عمر ما کشور ما فرزندان ما حکومت‌های الهی همه و همه امانت‌هایی قلمداد می‌شوند که به ما سپرده شده است و نباید در آنها خیانت صورت پذیرد. (مکارم شیرازی، شرح تازه و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

جامعی بر نهج‌البلاغه، ۷۴۵/۷-۷۳۹) این مولفه‌ی اساسی در زیست اخلاق اجتماعی بسیار تاثیرگذار است چرا که نوع انسان در دنیا با معاونت و همکاری یکدیگر می‌تواند زندگانی راحتی داشته باشد زندگانی انفرادی برای هیچ کس میسور نیست زندگی اجتماعی نیز چرخش بر محور اعتماد مردم به یکدیگر می‌چرخد که پایه اعتماد هم بر امانت و ترک خیانت گذاشته شده است (امام‌خمینی، ۴۷۶)

٤-۲-۳-٤. صداقت

صدق و راستی در مقابل آن کذب و دروغگویی از جمله مسائل اخلاقی است که در دو حوزه فردی و اجتماعی قابل ملاحظه است در بادی امر به نظر می رسد صدق و کذب دو خصوصیت انسانی است که جنبه فردی دارد اما با توجه به این که انسان در مقام سخن و محاوره مخاطباتی خواهد داشت صدق و کذب از جنبه فردی خارج شده و به تدریج جنبه اجتماعی پیدا می‌کند (مجید معارف، ۳۱۲) قرآن کریم صداقت مردان و زنان را ویژگی‌های بارز انسان‌های با ایمان شمرده که موجب پاداش بزرگ الهی و آمرزش آنان می‌گردد. (الاحزاب، ۳۵، آل‌عمران، ۱۷) در نقطه اوج ارزش گذاری صداقت در قرآن کریم خداوند متعال وقتی عملی را که در آخرت برای انسان سودمند است را بیان می‌دارد تنها از صداقت نام می‌برد (المائده، ۱۱۹).

حضرت امیر بیان می‌دارد که «اَلصِّدْقُ صَلاَحُ کُلِّ شَیْءٍ» (آمدی، ۲۸۱/۱) و همچنین به دوری از دروغ تاکید می‌فرمایند: «جَانِبُوا الْکَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِیمَانِ الصَّادِقُ عَلَی شَفَا مَنْجَاةٍ وَ کَرَامَةٍ وَ الْکَاذِبُ عَلَی شَرَفِ مَهْوَاةٍ وَ مَهَانَةٍ» (سیدرضی، خطبه ۸۶)

با بررسی آیات و روایات به گستردگی مفهوم صدق که در برگیرنده باورها، نیت‌ها و رفتارهای اخلاقی انسان است پی می‌بریم، این گستردگی به گونه‌ای است که هیچ حوزه‌ای از عمل صالح، ایمان و تقوای الهی ازهمه لحاظ و با همه مصادیق خود از گستره شمول صدق خارج نمی‌گردد (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۴۲۹/۱) به نظر می‌رسد دلیل تاکید

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

فراوان بر صداقت آثار بسیار مثبت و سازنده صداقت آن در زیست اجتماعی و ایجاد اعتماد افراد جامعه برمی‌گردد و این امر زمینه‌ساز نیل به بسیاری از کمالات فردی و اجتماعی در عرصه‌های گوناگون و ایجاد یک فضای سالم و قابل اعتماد در افراد جامعه می‌گردد در سمت مقابل آن دروغگویی موجب سلب اعتماد از افراد جامعه گردیده و زمینه‌ساز بسیاری از مفاسد و بی‌اخلاقی‌ها را در جامعه رقم می‌زند.

٤-۲-۳-۵. حسن ظن

از دیگر مولفه‌های اصلی در زیست اخلاق اجتماعی حسن‌ظن است در اخلاق حسن ظن به معنای آن است که انسان هر فعلی را که از دیگران مشاهده می‌نماید و یا هر سخنی را که از او می‌شنود آن را به بهترین شکل حمل کند و تکذیب او را ننماید. (نراقی، ۲۳۳) دستور اسلامی و اخلاقی مبتنی بر حسن ظن مومنین نسبت به همدیگر یکی از حساب شده‌ترین و جامع‌ترین دستورات در زمینه روابط اجتماعی انسان‌ها به حساب می‌آید که مسئله امنیت را به طور کامل در یک جامعه تضمین می‌نماید. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۸۳/۲۲) خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره مبارکه نور به نکته جالبی توجه می‌دهند؛ به جای اینکه تعبیر شما درباره متهم به تهمت بیاورند می‌گوید نسبت به خود حسن ظن داشته باشید این تعبیر اشاره به این دارد که جان مومنان از همدیگر جدا نبوده و همه به منزله یک نفس واحد هستند اگر اتهامی به یکی از آنها متوجه گردد گویی به همه آنها اتهام وارد شده است و همانگونه که هر کس در دفاع از خویش جانانه تلاش می‌نماید باید به همان اندازه از برادران و خواهران دینی خود نیز دفاع نماید. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۹۸/۱۴)

امیرالمؤمنین(ع) نیز همواره دعوت به خوش‌بینی نموده و می‌فرماید: «لَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سُوءاً، وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا» (سیدرضی، حکمت ۳۶۰) حسن ظن موجب به وجود آمدن دوستی و محبت و علقه و مودت در میان افراد جامعه شده و از سلب اعتماد و پراکندگی جلوگیری می‌نماید، زمینه‌های همکاری که بر پایه اعتماد قرار

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

دارد بیشتر می‌گردد حسن‌ظن و مثبت‌نگری به دیگران از مهم‌ترین لوازم و مقدمات ارتباطات اجتماعی است و زندگی اجتماعی بدون آن بسیار دشوار شده و سوءظن افراد جامعه به همدیگر آن جامعه را فلج می‌نماید و در آن جامعه اختلال ایجاد می‌گردد.

٤-۲-۳-۶. انفاق

انفاق یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی اجتماعی و تربیتی است که در اسلام به آن بسیار سفارش شده است قرآن کریم به صورت مبسوط و گسترده به آن پرداخته است از جمله «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (البقره، ۳؛ الانفال، ۳؛ السجده، ۱۶؛ الشوری، ۳۸؛ القصص، ۵۴؛ الحج، ۳۵) عبارات مترادف آن «وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (ابراهیم، ۳۱) «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (فاطر، ۲۹؛ الرعد، ۲۲) «فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» (الطلاق، ۷) یکی از آثار خوشایند انفاق در جامعه سلامت و امنیت در جامعه است این دو از لوازم بسیار پراهمیت حیات اجتماعی به حساب می‌آیند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴۹۶/۱)

این موضوع در بیانات علی (ع) نیز بدان اشاره شده است که انفاق و صدقه مفهوم بسیار وسیعی دارد در معارف علوی انفاق در علم والاتر از انفاق در مال است. به تعبیر بعضی از مفسران خودداری نمودن از انفاق در راه خدا هم سبب مرگ روح انسان به خاطر داشتن بخل می‌گردد و هم مرگ جامعه را به خاطر ناتوانی و عجز مخصوصاً نظام اسلامی که بر پایه نیکوکاری بنا شده است به همراه خواهد داشت.

٤-۲-۳-۷. حلم

از دیگر مولفه‌های بسیار مهم و حیاتی در زیست اخلاق اجتماعی و در مواجهه با دیگران می‌توان به حلم اشاره نمود. خداوند متعال در خصوص زیست اجتماعی و نحوه مواجهه با دیگران در شرایط سخت اینگونه می‌فرمایند: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت، ۳۴) بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

امیرالمؤمنین(ع) به آثار مختلف حلم اشاره می‌نمایند که اولین آنها آرامش در برابر سختی‌های می‌دانند و می‌فرمایند: «الْحِلْمُ وَ الْأَنَاةُ تَوْأَمَانِ، يُنْتِجُهُمَا عُلُوُّ الْهِمَّ» (سیدرضی، حکمت ۴۶۰) از آثار دیگر حلم تکثیر اطرافیان انسان است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۸) همچنین حضرت حلم را موجب عزت می داند (سیدرضی، حکمت ۱۱۳) و از افراط و تفریط نیز جلوگیری می‌نماید (سیدرضی، حکمت ۳۱) با بررسی اثرات و نتایج حلم به این نتیجه می‌رسیم که اگر این فضیلت اخلاقی در زیست اجتماعی ما جاری شود منافع بسیار زیادی را در پی خواهد داشت که از جمله آن آرامش و زیست همدلانه در جامعه می‌باشد.

٤-۲-۳-۸. رفق و مدارا

یکی از مولفه‌های دیگر در زیست اخلاق اجتماعی رفق و مداراست، تاکید مکرر قرآن کریم بر این اصل نشان دهنده اهمیت این موضوع در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل‌عمران، ۱۵۹) فلسفه اصلی تساهل و تسامح در اسلام نزدیک ساختن دل‌های مومنین به همدیگر است به بیان دیگر قلمرو مدارا در درون نظام اسلامی می‌باشد. یکی از صفات خداوند متعال رفیق است انسان نیز باید به مانند پروردگار خویش به این صفت الهی متصف گردد تا صلح و آرامش در جامعه برقرار شده و کینه‌ها از میان برود، قرآن کریم واقعیت رفق و مدارا را این چنین بیان می‌دارد: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت، ۳۴) تعبیر کانه ولی حمیم در آیه به این مطلب اشاره دارد که شاید طرف مقابل شما، دوست صمیمی شما نگردد ولی لااقل در ظاهر دست از دشمنی برداشته و با شما دوستی خواهد کرد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲۸۳/۲) یکی از مهمترین عوامل قوام زیست اجتماعی و استحکام آن پیاده سازی رفق و مدارا در جامعه است امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «أُرْفُقْ تُوَفَّقْ» (آمدی، ۳۸۴/۱) نرمی کن تا موفق شوی یا در جای دیگر حضرت فرموده: بِالرِّفْقِ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

تَدُومُ الصُّحْبَةُ/ دوستی و مصاحبت، بارفق و مدارا دوام مـی‌یابـد. (همـو، ۲۳۷/۳) در همـه جوامع و تمامی اقطار زمین به دنبال ایجاد پایداری و ثبات در زندگی اجتمـاعی هسـتند و رفق و مدارا یکی از مهمترین مولفه‌های ثبات می‌باشد.

٤-۲-۳-۹. عفت و حیاء

عفت یک نوع ملکه فضیلتی و خلقی است که قوه شهوانی انسان را کنترل کـرده و زیـر پوشش خود قرار می‌دهد و تدبیر عقلی بر این قوه مسلط می‌شود (طوسی، ۹۸۷) در آیـات قرآن کریم همواره حیا در ارتباط با نحوه رفتار انسان مطرح می‌گردد از جمله حیای زنـان و حتی زنان سالخورده با پوشش مناسب (النور، ۶۰) حیای آدم و پوشـاندن عـورت‌هـای خود با برگ‌های درختان بهشتی (الاعراف، ۲۲، الطاهـا، ۲۱) یـا حیـا در گفتـار و سـخن (الاحزاب، ۳۳؛ البقره، ۲۸) که همه این‌ها بیانگر یـک نـوع رفتـار اجتمـاعی اسـت. عفـت عرصه‌های مختلفی دارد که در قرآن بدان اشاره گردیده است عفت در نگـاه (النـور، ۳۰ و ۳۱) عفت در پوشش؛ عفـت در کـلام؛ امیرالمـؤمنین (ع) نیـز در خصـوص عفـت و حیـا می‌فرماید: «مَنْ کَسَاهُ الْحَیَاءُ ثَوْبَهُ، لَمْ یَرَ النَّاسُ عَیْبَهُ» کسی کـه حیـا لبـاس خـود را بـر او بپوشاند، مردم عیب او را نخواهند دید. (سیدرضی، حکمت ۲۳۳)

به صورت کلی می‌توان گفت عفت و حیا یکی از مولفه‌هـای مهـم و مـوثر در زیسـت اخلاق اجتماعی به حساب می‌آید چرا که توجه به آن و پیـاده‌سـازی آن در جامعـه، یـک اجتماع سالم و امن برای آحاد آن را در پی خواهد داشت.

نتایج مقاله

با توجه به آنچه گذشت می‌توان در مورد مولفه‌های زیست اخـلاق اجتمـاعی نتـایج و یافته‌های زیر را مرور کرد:

۱. نتیجه به دست آمده از بررسی مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی این است که اخلاق

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

و زیست اخلاق صرفا گزاره‌های تک بعدی اخلاقی نیستند و دارای ابعاد مختلفی است انسان و جامعه‌ی اخلاق‌مند، انسان و جامعه‌ای است که در هر همه امور فوق‌الذکر به سامانی درست رسیده باشد. فعل اخلاقی بدون بسامانیِ بینش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌ها معنا نمی‌یابد، و از این روست که توصیه‌های اخلاقی در جهت اصلاح ویژگی‌ها و کردار اخلاقی، بدون اصلاح موارد یاد شده، راه به جایی نمی‌برد، و اصلاحی بنیادی و جامع در اخلاق فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف، آن گونه که باید معنا نمی‌یابد.

۲. با دقت در مولفه‌های زیست اخلاق اجتماعی می‌توان دریافت که یکی از اساسی‌ترین نتایج توجه به این مهم، ایجاد و گسترش اعتماد اجتماعی در جامعه است اعتماد اجتماعی در سایه زیست اخلاقی افراد در جامعه محقق می‌شود جامعه‌ای که روابط اجتماعی افرادش براساس اخلاق مداری همچنین تعاملات و کنش‌های اجتماعی آنها بر مبنای ارزش‌ها و هنجارها شکل بگیرد زمینه اعتماد را در میان افراد آن جامعه گسترش خواهد یافت.

۳. از دیگر یافته‌های این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره نمود که زیرساخت لازم در صدور فعل اخلاقی صرفا با میل و انگیزه‌ی فردی محقق نخواهد شد بلکه سازوکارها و نهادهای اجتماعی باید بستر صدور فعل اخلاقی را ایجاد نمایند به بیان دیگر تا فضای عمومی جامعه در نهادهای آموزشی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... فراهم نباشد زیست اخلاق اجتماعی به خوبی در جامعه فراگیر نخواهد شد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۳.ابن فارس،احمد، معجم مقاییس اللغه، بیروت دارالفکر،چاپ دوم ۱۴۱۸ق.
۴.ابن مسکویه، محمد بن حسن، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، انتشارات بیدار، قم، بی‌تا.
۵. ارفع، کاظم، اخلاق در قرآن، تهران، انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۶. ادریسی، افسانه و همکاران بررسی و تبیین رویکر اعتماد اجتماعی براساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز راهبرد اجتماعی فرهنگی شماره ۱، ۱۳۹۰.
۷. اسدی، علی، مفهوم‌شناسی و مصادیق احسان در قرآن، معرفت اخلاقی، سال اول، شماره۴، پاییز ۱۳۸.
۸. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، مقدمه و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۹. بابایی، حبیب‌الله، خراسانی رضا، رهدار، احمد، کرمی قهی محمدتقی، جستاری نظری در باب تمدن، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۱۰. جوادی آملی، عبداللّه، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، مرکز فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
۱۱. همو، تفسیر قرآن کریم، قم: اسرا، ۱۴۰۰.
۱۲. جعفری تبریزی، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
۱۳. حق‌شناس، حمیدرضا، اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه، ناشر: دفتر عقل، قم، ۱۳۸۸.
۱۴. خیراللهی، زهرا، نظام تربیت اخلاقی در نهج البلاغه، فصلنامه النهج، شماره ۴۰، بهار ۹۳.
۱۵. خوشفر، غلامرضا، ۱۳۷۴، مقایسه تحلیلی ارزش‌های خانواده، مدرسه، گروه همسالان از دیدگاه دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های تهران، طرح تحقیقاتی انجمن اولیاء و مربیان.
۱۶. خمینی، روح الله، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۹۴.
۱۷. خوانساری، جمال‌الدین محمد، شرح غررالحکم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش، ج ۶، ص ۳۹۳,
۱۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، رخشاره خورشید، انتشارات دریا، تهران، ۱۳۹۴.
۱۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القران، به تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ه.ق.
۲۰. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی، نشر دارالعلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۲۱. شریعتی، علی، امت و امامت، تهران، قلم، ۱۳۵۷ هـ.ش.
۲۲. ضاهر، یعقوب گام به گام با امام، ترجمه گروه مترجمان مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر ۱۳۳۱ه.ش.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۵، ۱۳۷۱.
۲۴. طوسی، محمد بن محمد نصیرالدین، اخلاق ناصری، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۰.
۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۲۷. غضنفری، علی، اخلاق در قرآن و سنت، تهران، دانشکده علوم قرآنی، ۱۳۹۲.
۲۸. فتحعلی خانی، محمد، آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۱، قم، شهریار، چ ۱، ۱۳۷۹.
۲۹. کازرونی، سیدمصطفی بررسی تطبیقی انسان‌شناسی قرآنی با انسان‌شناسی غربی با توجه به مبانی اعتقادی شیعه حسنا، شماره ۲۵، سال ۱۳۹۴هـ.ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ هـ.ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

۳۱. همو، ناصر اخلاق در قرآن، قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب(ع). ۱۳۹۲ هـ.ش.
۳۲. همو، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۳۳. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، ۱۴۰۲ هـ.ش.
۳۴. همو، بیست گفتار، تهران، صدرا، ۱۴۰۲ هـ.ش.
۳۵. همو،حاشیه کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، صدرا، ۱۳۹۲ه.ش.
۳۶. معارف، مجید، بارقه‌هایی از تاریخ و معارف نهج البلاغه، موسسه فرهنگی نبا، تهران، ۱۴۰۱ هـ.ش.
۳۷. مصباح یزدی، محمّدتقی، آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه.ش.
۳۸. همو، اخلاق در قرآن، جلد سوم، موسسه امام‌خمینی، ۱۳۸۹ ه.ش.
۳۹. نراقی، احمد، معراج السعاده، تصحیح موسوی کلانتری دامغانی، تهران، پیام آزادی، ۱۳۹۰ ه.ش.
۴۰. ورعی، جواد، مبانی دینی و سیاسی برائت از مشرکان، چاپ سوم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۱ه.ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]